

گاهشمار ایرانی (1391)

[آریائی (هزاره بره) ۱۲۷۸۱، یزدگردی باستانی ۷۰۳۷، زردشتی ۳۷۵۰،
هخامنشی ۲۵۷۱، خورشیدی هجری ۱۳۹۱، ترسانی ۲۰۱۳-۲۰۱۲]

یکسال برابر با ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵/۵ ثانیه است.

گاهشمار	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	امرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	پنجه اندرگاه
۳۶۵ روزه	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۵ یا ۶
ایرانی کهن	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۵ یا ۶
ایرانی نوین	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۲۹ یا ۳۰	۵
برج	بره	گاو	دوپیکر	خرچنگ	شیر	خوشه	ترازو	کژدم	کمان	بز	دال	ماهی	

سال تحویل ۱۳۹۱ برابر با ساعت ۸ و ۴۴ دقیقه و ۲۷ ثانیه روز سه شنبه یکم فروردین می باشد.

جشن های ملی

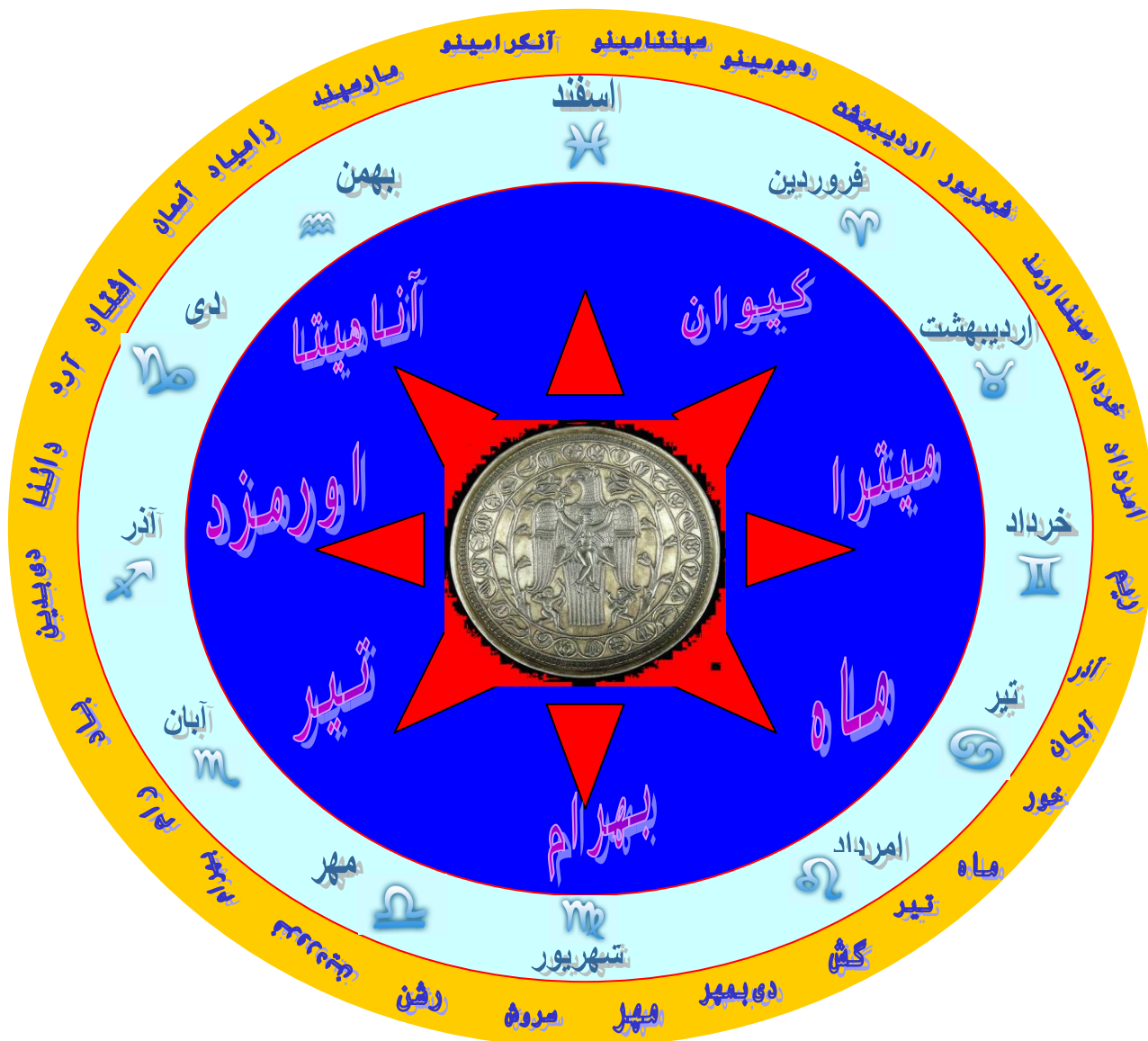
نوروز.....اول فروردین
سیزده بدر.....سیزدهم فروردین
یلدا(شب چله).....سی ام آذر
سده(جشن آتش).....دهم بهمن
چهارشنبه سوری....بیست و یکم اسفند

جشن های ماهانه(دینی)

فروردینگان.....نوزدهم فروردین
اردیبهشتگان.....سوم اردیبهشت
خردادگان.....ششم خرداد
تیرگان.....سیزدهم تیر
امردگان.....هفتم امرداد
شهریورگان.....چهارم شهریور
مهرگان.....شانزدهم مهر
آبانگان.....دهم آبان
آذرگان.....نهم آذر
دیگان.....بیست و سوم دی
بهمنگان.....دوم بهمن
اسفندگان.....پنجم اسفند

جشن بطور عام و جشن های ایرانی بطور خاص به عنوان رفتارهای اجتماعی مردم به پشتوانه سمبول ها، انگاره ها، احساسات، پندارها و خردها برگزار می شوند. بنابراین در برخورد با جشن ها علاوه بر بعد رفتاری(ظاهری) باید بعد معنایی(باطنی) آن ها نیز مد نظر قرار گیرند. مطالعه گاهشمارها، بویژه پرداختن به بعد معنایی جشن ها که فرهنگ اجتماع را بازتاب می دهد از اهمیت بسزائی برخوردارست.

گرد آورنده: دکتر جمشید جمشیدی



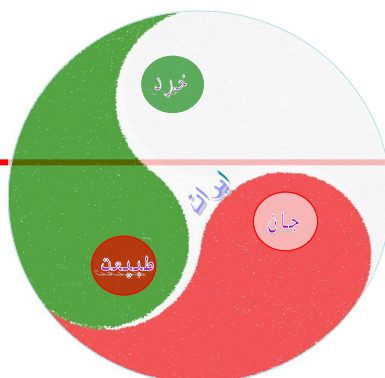
ماندالا (Mandala) ی هستی ایرانی

زنجای ایران سیمرغ در ژرفای هستی، تخم تحول و شکوفائی،

آفریننده فراکشانی و خورشیدی،

هفت امشاسپند بمتابه سیارات، اولین رویش تخم سیمرغ، پشتیان روزهای هفته،

دوازده ایزد ماهانه بمتابه ستارگان، حامی تخم سی روز هستی طبیعت، جان و خرد،



فروردین (ارتافرورد) (Fravardin)



واژه فروردین مشتق از فرَور، فرَوهر و یا فرَوهرِ مصطلح امروزیست. این واژه هم در ادبیات فرهنگ پیش از زرتشت و هم در آیین زرتشت از معنای والائی برخوردار بوده است. فرور روح یا گوهر خدانیست که نیروی جنبش و انتخاب و تعیین سرنوشت به انسان میدهد. فروهر ها هرگز میرنده نیستند و بعد از مرگ انسان به مبداء خود باز می گردند و به دریای خدای خود می پیوندند. همین فروهرها هستند که در روز نوروز هر سال بقصد دیدار بازماندگان خود بر روی زمین رجعت می کنند.

پشقاب نقره ای که سیزده قرن پیش کشف شده است.

زخدای سیمرخ نماد هم آهنگی و هم نوائی به همراه

دخترش رام (زهره) که نماد طرب و پایکوبی است دیده می شوند.

شنبه (کیوان روز) یکشنبه (خورشید روز) دوشنبه (ماه روز) سه شنبه (بهرام روز) چهارشنبه (تیر روز) پنجشنبه (اورمزد روز) آدینه (ناهید روز)

۴ (۳/۲۳) شهریور Shehrevār	۳ (۳/۲۲) اردیبهشت Ardibehe sht	۲ (۳/۲۱) و هومینو (بهمن) Vohoo-Mano	۱ (۳/۲۰) سپنتامینو نوروز			
۱۱ (۳/۳۰) خور Khorshed	۱۰ (۳/۲۹) آبان (آناهیتا) Avan	۹ (۳/۲۸) آذر Adar	۸ (۳/۲۷) ریم Daepadar	۷ (۳/۲۶) امرداد Amardad	۶ (۳/۲۵) خرداد Khordad	۵ (۳/۲۴) سپندارمذ Asfandarma d
۱۸ (۴/۶) رشن Rashnu	۱۷ (۴/۵) سروش Sraosha	۱۶ (۴/۴) مهر (میترا) Meher	۱۵ (۴/۳) دی بمهر (Daepmeher)	۱۴ (۴/۲) گش (گنوش) Gosh	۱۳ (۴/۱) تیر Tishtry سیزده بدر	۱۲ (۴/۳۱) ماه Mohor
۲۵ (۴/۱۳) آرد Ashishvangh	۲۴ (۴/۱۲) دین (دائنا) Din	۲۳ (۴/۱۱) دی بدین Daepdin	۲۲ (۴/۱۰) باد Govad	۲۱ (۴/۹) رام Raam	۲۰ (۴/۸) بهرام Behram	۱۹ (۴/۷) فروردین Fravardin
	۳۱ (۴/۱۹) آشتاد	۳۰ (۴/۱۸) آنگرامینو Angramano	۲۹ (۴/۱۷) مارسپند Mahrespand	۲۸ (۴/۱۶) زامیاد Zamyad	۲۷ (۴/۱۵) آسمان Asman	۲۶ (۴/۱۴) آشتاد Ashtad

جشن **فروردین (فروردینگان)** در روز نوزدهم از ماه فروردین برپا می‌گردد. در این روز مردم علاوه بر نظافت و سفیدکاری خانه‌های خود برای شادی ارواح (فروهرها) گذشتگان خود به گورستان می‌روند و در آنجا دعا می‌خوانند و در خانه‌های خود برای رهایی آنها مشترکاً آتش مقدس بر پا میکنند. از تارنمای فرهنگ ایران.

نوروز- نوروز سرآمد جشن‌های ایرانی با خصلتی ملی و فراگیر هر ساله در روز نخستین از ماه فروردین برگزار میشود. این جشن یادگار فرهنگ کهن، نه فقط در میان اقوام گوناگون ایرانی از جمله فارس، آذری، کرد، بلوچ، لر، عرب، ترک و غیره برگزار میشود حتا فرای مرزهای ایران در کشورهای آسیای میانه، ترکیه، افغانستان و چین نیز گرامی داشته میشود. نوروز نماد همبستگی و پیوند اقوام گوناگون در ایران بوده و هست. نوروز مصادف با روز سررسید جشن سده یا جشن نود روزه که با یلدا شروع می‌شود است. برگزاری جشن نوروز در روز اول سال نو و شروع فصل بهار از زمان صدارت سلطان جلال الدین ملکشاه سلجوقی سومین از چهار سلطان مهم سلجوقی (۱۰۹۲-۱۰۷۲ میلادی) رایج میشود که با کمک وزیر خود، خواجه نظام الملک در سال ۱۰۷۲ میلادی سالنامه‌ای تدوین کردند که در آن روز اول بهار روز اول سال تعیین شده و این روز را رسماً بعنوان نوروز جشن گرفتند. این سالنامه به سالنامه جلالی موسوم است. قبل از این دوران نوروز در روزهای متفاوت جشن گرفته میشده است. نقش خیام شاعر نغزگوی و منجم توانای ایران را در تدوین سالنامه جلالی نباید فراموش کرد. روایت‌ها و تعبیرات گوناگونی در باره پیدایش این جشن شده است که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱ - نوروز در اسطوره- روایت است که برای اولین بار جمشید (یاما، یاما) انسان نخستین و آرمانی در فرهنگ اسطوره‌ای ایران باستان این جشن را برگزار کرده است. جمشید با گوهر خدائی و نماد انسان ایرانی سعی داشت تا بر روی زمین بهشت بسازد. روایت است که او در طول حکومتش خود خشت ساخت، حمام ساخت، نیشکر را کشف کرد، جامه بیافت و مردم را از خشکسالی نجات داد. جمشید بود که با آگاهی از تناوب ۳۶۵ روزه سال، مردم را به بزرگداشت این روز گردآورد و به شادی و سرور تشویق کرد.

به روایت شاهنامه روز بر تخت نشستن جمشید را روز نو یا نوروز خواندند:

به جمشید بر گوهر افشاندند،

مر آن روز را روز نو خواندند،

بزرگان به شادی بیاراستند،

می و جام و رامشگران خواستند،

چنین جشن فرخ در این روزگار،

بماندست از آن خسروان یادگار

نوروز روز تولد خدای ایران باستان وایو، دیو و یا خود سیمرغ است که به سپنتامینو نیز نامیده می‌شده است. این خدا که به رپیتاوین (دختر زیبای روی جوان) روایت شده است همزمان با روز سده (پنجاه روز قبل از شروع بهار) به زیر زمین می‌رود تا زمین را گرم و آماده شکوفائی کند. در روز نوروز به همراه شکوفائی و سرسبزی طبیعت به روی زمین باز میگردد و با هفت سُرنا (سورنای یا شپور) برگیتی می‌دمد و جان خفته‌ی جانداران را دوباره به زندگی بر می‌انگیزد. (نقل از م- جمالی)

جای این هفت سُرنا را هفت سین گرفت. چهاربندی‌های زیر سرود این هفت سُرنا را زنده می‌کند.

تا نوای هفت سُرنا در گلستان، جان دمید

خوابِ دیرین شد ز چشمانِ زمستان ناپدید

روزگارا، هفت سُرنا را به گوش جان نواز

چشم را بیدار دار و سینه ها را پُر امید

روزگارا، گلشنِ نوروز را پُر بار کُن

شهد پیروزی به کام مرد و زن بسیار کُن

اَبَر را جان بخش ساز و ماه را آیینۀ دار

بد دلان را دور، با ما نیکوان را یار کُن

روزگارا، تازه شد هستی در آغاز بهار

جشن جمشید جهان بین را جهان آرا بدار

مهر افزون کُن درون سینه ها در سال نو

فرّ شادی را به جام زندگی از نو بیار

روزگارا، جشن ما را نو به نو جاوید ساز

سینه را پر مهرتر از سینه-ی جمشید ساز

رنج را آسان بنه بر مردم برگشته بخت

چشم نیکو مردمان را دیده-ی خورشید ساز

(اشعار از مردو آناهید است. - <http://www.farhangiran.com/content/view/1498/46/>)

۲ - نوروز در باورهای دینی- پیروان آئین زرتشت بر این باورند که اهورامزدا طی هفت روز کیهان و موجودات را خلق کرده است، و نوروز روز آخرست که خلقت با آن کامل میشود. از ده روز قبل مردم با پایکوبی و شادمانی کردن و برپائی مراسم آتش افروزی (توی حیاط یا روی پشت بام) به استقبال این روز میروند. سررسید نوروز روز گرامیداشت اهورامزدا یا اورمزد نیز هست. لازمست در حاشیه بدانیم که باغالب شدن آئین زرتشتی اورمزد به جای زنجای دیرینه ایرانیان سپنتامینو (سیمرغ) نشانده میشود.

اعتقاد دینی دیگری که پشتوانه برگزاری جشن نوروزست بازگشت فرّورها یا ارواح گذشتگان نیک بر روی زمین است (این پدیده در ایران امروز به عرفه یا علفه مشهورست). برای خشنودی آن ها باید خانه ها پاکیزه و زیبا و دلپذیر بوده و آتش افروزی بر پا شده باشد تا آن ها با رضایت به مبدع خود در آسمان مراجعت کنند.

۳ - نوروز در تاریخ- برخی نوروز را به ظهور زرتشت نسبت میدهند، ولی زرتشتیان روز ششم فروردین را سالروز تولد زرتشت مقرر کرده اند و هر ساله جشن میگیرند. برخی نوروز را به رویداد تاریخی در زمان امپراطوری هخامنشیان نسبت میدهند. در روز معینی در تاریخ ۶۱۲ پیش از میلاد زمانی که هخامنشیه رهبر مادهای آن زمان شهر نینوا، پایتخت امپراطوری آشوری را تسخیر کرد آن روز را روز خجسته نوروز نامیدند و جشن و سرور بر پا کردند. بالاخره اهمیت این روز در دربار خاندان هخامنشیان مورد تأیید بوده است. کورش در روز نوروز بابل را فتح میکند و منشور آزادی آئین ها و باورهای دینی (متن این منشور در صفحه بعد آمده است) را اعلام میکند. نوروز هر سال داریوش در کاخ تخت جمشید (پارسه) با برگزاری مراسم بارعام و میهمانی شاهانه برای نمایندگان امپراتوری (خَشْتَرِپوا یا به یونانی ساترپ ها) این روز را جشن میگرفت.

۴ - نوروز در هم آهنگی با رویدادهای نجومی- نوروز مصادف با روز اول بهار، روزی است که درست حرکت سالانه خورشید به انقلاب بهار (اعتدال ربیعی)، یا زاویه شرقی نود درجه از شمال و نود درجه از جنوب زمین می رسد. در این روز طول شب و روز یکسانست. فرارسیدن بهار و شکوفا و سرسبز شدن طبیعت الهام دهنده نوزائی، آفرینندگی و سر سبز شدن زندگی در تمام عرصه های آن قلمداد شد. مردم با الهام از این پدیده طبیعی با خانه تکانی و پاکیزه کردن محل زندگی خود و تدارک سفره هفت سین (سیر- سرکه- سمنو- سماق- سبزی- سنجد، سیب) و به تن کردن لباس نو و زیبا به هم آهنگی با طبیعت نو و سر سبز و شکوفا می پردازند.

سیزده بدر- روز سیزدهم از ماه فروردین، روز ایزد تیر، مردم پس از دوازده روز شادی و پایکوبی نوروزی این روز را خارج از خانه های خود در دشت و صحرا سپری میکنند. سیزه هفت سین نوروز را در آب میاندازند، سیزه گره میزنند، و بدینوسیله جشن طولانی نوروز را به پایان میرسانند. در باره رسم سیزده بدر نیز روایات بسیاری شده است که مختصراً به گوشه ای از آن ها اشاره میکنیم.

۱ - سیزده و سیزده بدر در اسطوره- "...وقتی در هفت امشاسپند (بخوانید خدایان همزاد-ج) نیز، شش تا از آنها را تخم میگرفتند (۶، ضریبی از سه است)، آنگاه، شش تخمه، تبدیل به ۱۲ میشد (هر تخمه نطفه نرینه و مادینه دارد-ج) ، و با یکی که آتش نهفته است، میشد سیزده. از این رو عدد سیزده از مقدس ترین اعداد زنجائی بوده است. و سیزده بدر به هیچ روی بیرون کردن نحسی نبوده است. این شیوه تأویل، شیوه تأویل مردسالاری بوده است، چون مردسالاری روی عدد ۱۲ پافشاری میکرد (که ضریبی از دو بود و دو نماد مرد است) و آنرا عدد مقدس نرینه میدانست. از این رو سیزده را نحس دانست. سیزده در سال نو بدر میرفتند (از خانه بیرون میرفتند)، و این در همان راستای ایده کلی جوان سازی و نوسازی جهان بود. ترک خانه، ترک نظم پوسیده گذشته بود....." (کتاب رستاخیز سیمرغی صفحه ۷۸ نوشته م- جمالی)

۲ - مراسم سیزده بدر- فارغ از انگاره های دینی قومی، خانواده ها با آماده کردن غذا و ابزار تفریح و بازی به دامان صحرا و طبیعت میروند و بر حسب عادت مراسمی را برگزار میکنند. در فرهنگ عامه برای رسم های سیزده بدر معانی تمثیلی آورده شده است: شادی و خنده در این روز به معنی فرو ریختن اندیشه های تیره و پلیدی، روبوسی نماد آشتی و بمنزله تزکیه، خوردن غذا در دشت نشانه فدیة گوسفند بریان، به آب انداختن سیزه های تازه رسته نشان هدیه به ایزد آب یا "آناهیتا" و گره زدن سیزه برای باز شدن بخت و تمثیلی برای پیوند زن و مرد برای تسلسل نسل ها، و رسم اسب دوانی یادآور کشمکش ایزد باران و دیو خشکسالی است.

منشور حقوق بشر کورش:



منشور حقوق بشر کورش بر روی استوانه گلی (موزه انگلستان)

« منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه دادگر، شاه بابل، شاه سومر و آكد، شاه چهارگوشه جهان. پسر كمبوجيه، شاه بزرگ... نوه كوروش، شاه بزرگ... نبيره چيش پيش، شاه بزرگ... آن گاه كه بدون جنگ و پيكار وارد بابل شدم، همه مردم گام های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستم. مردوك خدای بزرگ دل های پاك مردم بابل را متوجه من كرد... زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم. ارتش بزرگ من به صلح و آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید. وضع داخلی بابل و جایگاه های مقدسش قلب مرا تكان داد... من برای صلح كوشیدم. من برده داری را برانداختم، به بدبختی آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم كه همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و آنان را نیازارند. فرمان دادم كه هیچكس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند. مردوك خدای بزرگ از كردار من خشنود شد... او برکت و مهربانی اش را ارزانی داشت. ما همگی شادمانه و در صلح و آشتی مقام بلندش را ستودیم... من همه شهرهائی را كه ویران شده بود از نو ساختم. فرمان دادم تمام نیایشگاه هائی كه بسته شده بودند را بگشایند. همه خدایان این نیایشگاه ها را به جاهای خود باز گرداندم. همه مردمانی كه پراكنده و آواره شده بودند را به جایگاه های خود برگرداندم و خانه های ویران آن ها را آباد كردم. همه مردم را به همبستگی فراخواندم. همچنین پيكره خدایان سومر و آكد

هر گونه تكثیر یا نشر جزئی و کلی این گاهشمار بهدفع كسب و تجارت و یا هر اقدام دیگری بدون اجازه گردآورنده آن ممنوع است.

را که نبونید بدون واهمه از خدای بزرگ به بابل آورده بود، به خشنودی مردوک خدای بزرگ و به شادی و خرمی به نیایشگاههای خودشان باز گرداندم. بشود که دل ها شاد گردد. بشود خدایانی که آنان را به جایگاه های مقدی نخستین شان باز گرداندم، هر روز در پیشگاه خدای بزرگ برایم زندگانی بلند خواستار باشند. بشود که سخنان پر برکت و نیکخواهانه برایم بیابند. بشود که آنان به خدای من مردوک بگویند: "به کورش شاه، پادشاهی که ترا گرامی میدارد و پسرش کمبوجیه، جایگاهی در سرای سپند ارزانی دار"

من برای همه مردم جامعه ای آوام فراهم ساختم و صلح و آرامش را به تمامی مردم اعطا کردم.»



اردیبهشت (Ardibehesht)

اردیبهشت یا اشه و هیسته یکی از امشاسپندان نزدیک اورمزد است که نماد درستی و قانون حاکم بر جهان قلمداد می شود. در استوره های ایران باستان اردیبهشت یا ارتا و هیشت بمانند آب، با اصل آمیزندگی و هم آهنگی یا مینوی مینوان که بهمن بوده است، مترادف انگاشته می شده است. انسان هم گوهر با ارتا و هیشت با وجدان آفریننده از قابلیت به اندیشدن درست و هم آهنگی و آمیزندگی در جهان برخوردار بوده است. در آئین زرتشت این توانائی از خدایان باستانی و انسان گرفته و به اورمزد منتقل می شود.

در فرهنگ اسطوره ای ایران، انسان با نی این همانی داده میشده است. چرا که نی از خاصیت خود روئی(= خود بنیادی)، بندهای هم اندازه (= تعادل و اندازه)، شیره داری (= چسبندگی و پیوند) و نواسازی (نماد موسیقائی) برخوردار است.

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدینه

1 (۴/۲۰) سپنتامینو (اورمزد)						
۸ (۴/۲۷) ریم	۷ (۴/۲۶) امرداد	۶ (۴/۲۵) خرداد	۵ (۴/۲۴) سپندارمذ	۴ (۴/۲۳) شهریور	۳ (۴/۲۲) اردیبهشت	۲ (۴/۲۱) وهومینو (بهمن)
۱۵ (۵/۴) دی بمهر	۱۴ (۵/۳) گش	۱۳ (۵/۲) تیر	۱۲ (۵/۱) ماه	۱۱ (۵/۳۰) خور	۱۰ (۴/۲۹) آبان (آناهیتا)	۹ (۴/۲۸) آذر
۲۲ (۵/۱۱) باد	۲۱ (۵/۱۰) رام	۲۰ (۵/۹) بهرام	۱۹ (۵/۸) فروردین	۱۸ (۵/۷) رشن	۱۷ (۵/۶) سروش	۱۶ (۵/۵) مهر
۲۹ (۵/۱۸) مارسپند	۲۸ (۵/۱۷) زامیاد	۲۷ (۵/۱۶) آسمان	۲۶ (۵/۱۵) اشتاد	۲۵ (۵/۱۴) آرد	۲۴ (۵/۱۳) دین (دائنا)	۲۳ (۵/۱۲) دی بدین
					۳۱ (۵/۲۰) انگرمینو	۳۰ (۵/۱۹)

جشن **اردیبهشتگان** در روز سوم از ماه اردیبهشت بر گزار می گردد. اردیبهشتگان خجسته روزیست که در آن مردم با پوشش سفید که نماد پاکی و بی آلاچی است در برابر آتش مقدس به نیایش یزدان بزرگ می پردازند و با الهام از این امشاسپند که نماد بهترین راستی ها و حسن اخلاق یا اشه و هیسته بوده است این روز را سپری می کنند. نیایش این روز نیز همراه با شادمانی و سرور برقرار می گردد.



خرداد (Khordad)

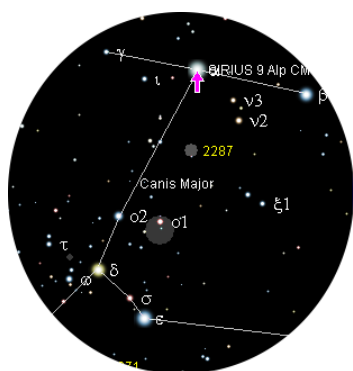
امشاسپند خرداد یا هنوروات، نماد کمال در جهان مینوی، موکل و حامی آب بر روی زمین، نماد شاد و خوش زیستی دنیوی بوده است. خوش زیستن و شادمان گذراندن در دنیا نه فقط منحن و بی قدر نبوده بلکه مسیر شکوفایی و تکامل در راستای تعالی به اوج خدایان قلمداد میشده است. در متون فرهنگ سیمرغی خرداد و خوش باشی یکی از چهره ها یا همزادان سیمرغ قلمداد میشده، که همسان با آرزوی انسان به فراز خدائی بوده است.

مطرب عشق ابدم، زخمه عشرت بزنم
ریش طرب شانه کنم، سبیل غم را بکنم
تا همه جان ناز شود، چونکه طرب ساز شود
تا سرخم باز شود، گل ز سرش دور کنم
طرب منم طرب منم، زهره زند نوای من
عشق میان عاشقان شیوه کند برای من
مولوی

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه
		1 (۵/۲۱)	۲ (۵/۲۲)	۳ (۵/۲۳)	۴ (۵/۲۴)	۵ (۵/۲۵)
		سپنتامینو (اورمزد)	و هومینو (بهمن)	اردیبهشت	شهریور	سپندارمذ
۶ (۵/۲۶)	۷ (۵/۲۷)	۸ (۵/۲۸)	۹ (۵/۲۹)	۱۰ (۵/۳۰)	۱۱ (۶/۳۱)	۱۲ (۶/۱)
خرداد	امرداد	ریم	آذر	آبان (آناهیتا)	خور	ماه
۱۳ (۶/۲)	۱۴ (۶/۳)	۱۵ (۶/۴)	۱۶ (۶/۵)	۱۷ (۶/۶)	۱۸ (۶/۷)	۱۹ (۶/۸)
تیر	گش	دی بمهر	مهر (میترا)	سروش	رشن	فروردین
۲۰ (۶/۹)	۲۱ (۶/۱۰)	۲۲ (۶/۱۱)	۲۳ (۶/۱۲)	۲۴ (۶/۱۳)	۲۵ (۶/۱۴)	۲۶ (۶/۱۵)
بهرام	رام	باد	دی بدین	دین (دائنا)	آرد	اشقاد
۲۷ (۶/۱۶)	۲۸ (۶/۱۷)	۲۹ (۶/۱۸)	۳۰ (۶/۱۹)	۳۱ (۶/۲۰)		
آسمان	زامیاد	مارسپند	انگرمینو			

جشن **خوردادگان** در روز ششم از ماه خرداد برگزار میگردد. در این روز مراسمی در رابطه با آب و

چشمه و رودخانه همراه با دعا خوانی و شادمانی پایکوبی برقرار می‌شده است. یکی از مراسمی که بیرونی ذکر میکند غسل و شست و شوی ویژه ای بوده است که مردم در این روز انجام میدادند. مخصوصا کشاورزان برای خشنودی از دهش آب و باران بیشتر به این جشن ارج نهاده و از آن سپاسگزاری و پاسداری میکنند.



تیر (تیش تر) (Tishtry)

تیر ایزد دیگریست که باعث بارش باران و رونق زراعت می گردیده است. در ایران باستان تیر یکی از امشاسپندان سیمرغ است که تخم های او را در اقصا نقاط جهان می افشاند تا بشکوفند و بارور شوند. داستان آرش کمان گیر که جان خود را در کمان کرد و مرز ایران و توران را تعیین کرد، با الهام از این ایزد نقل شده است. تیش تر نام ستاره (ستاره سگ مهتر) خیره کننده ایست که با این ایزد یا با خود سیمرغ این همانی داده شده و در فصل خشکسالی پدیدار می شده است.

ستاره تیش تر یا Sirius بعدا به ستاره میترا معروف شده که در داخل و خارج ایران مورد ستایش قرار میگيرد.

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه
					۱ (۶/۲۱) سپنتامینو	۲ (۶/۲۲) وهومینو (بهمن)
۳ (۶/۲۳) اردیبهشت	۴ (۶/۲۴) شهریور	۵ (۶/۲۵) سپندارمذ	۶ (۶/۲۶) خرداد	۷ (۶/۲۷) امرداد	۸ (۶/۲۸) ریم	۹ (۶/۲۹) آذر
۱۰ (۷/۳۰) آبان (آناهیتا)	۱۱ (۷/۱) خور	۱۲ (۷/۲) ماه	۱۳ (۷/۳) تیر	۱۴ (۷/۴) گش	۱۵ (۷/۵) دی بمهر	۱۶ (۷/۶) مهر (میترا)
۱۷ (۷/۷) سروش	۱۸ (۷/۸) رشن	۱۹ (۷/۹) فروردین	۲۰ (۷/۱۰) بهرام	۲۱ (۷/۱۱) رام	۲۲ (۷/۱۲) باد	۲۳ (۷/۱۳) دی بدین
۲۴ (۷/۱۴) دین (دائنا)	۲۵ (۷/۱۵) آرد	۲۶ (۷/۱۶) اشتاد	۲۷ (۷/۱۷) آسمان	۲۸ (۷/۱۸) زامیاد	۲۹ (۷/۱۹) مارسپند	۳۰ (۷/۲۰) انگزامینو
۳۱ (۷/۲۱)						

جشن **تیرگان** را در روز سیزدهم از ماه تیر برقرار میکردند ولی ظاهراً در سالنمای جدید در روز دهم ماه تیر به مدت ده روز (تاروز ایزد باد) برگزار میگردد. چون این روز مصادف با گرمای تابستان است با نیایش مخصوصی آب روی بچه ها می پاشند و به یکدیگر هدیه میدهند، و با صرف تنقلات به فال گیری و شادی میگذرانند. "نیایش میترا" و "نیایش خورشید" در این روز ارتباط این همانی تیر (ستاره تیش تر) را با میترا توجیه میکند. رسم جالبی که در این روز قابل ذکر است تدارک بند ابریشمی است که به دور هدایا می بستند و بعداً بچه ها این بندها را به دور مچ خود می بستند و بعد از بازی و شادی در روز آخر آن را در هوا بدست ایزد باد رها میکردند.



آمرداد (Amardad)

امرداد یا امرتات (اوستائی) به معنای بی مرگی و جاودانی در جهان مینوی است. امرتات یکی از شش امشاسپندست که موکل و حافظ گیاهان بر روی زمین شمرده میشود. این امشاسپند به همراه خرداد موکل و پرستار آب بر روی زمین در کنار هم می آیند. این دو ایزد لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند.

پرستاری از آب و گیاه جزء مهمی از فرهنگ فراگیری زمینی و آسمانی ایران باستان بشمار می آمده است.

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه
	1 (۷/۲۲) سپنتامینو (اورمزد)	۲ (۷/۲۳) و هومینو (بهمن)	۳ (۷/۲۴) اردیبهشت	۴ (۷/۲۵) شهریور	۵ (۷/۲۶) سپندارمذ	۶ (۷/۲۷) خرداد
۷ (۷/۲۸) امرداد	۸ (۷/۲۹) ریم	۹ (۷/۳۰) آذر	۱۰ (۸/۳۱) آبان (آناهیتا)	۱۱ (۸/۱) خور	۱۲ (۸/۲) ماه	۱۳ (۸/۳) تیر
۱۴ (۸/۴) گش	۱۵ (۸/۵) دی بمهر	۱۶ (۸/۶) مهر (میترا)	۱۷ (۸/۷) سروش	۱۸ (۸/۸) رشن	۱۹ (۸/۹) فروردین	۲۰ (۸/۱۰) بهرام
۲۱ (۸/۱۱) رام	۲۲ (۸/۱۲) باد	۲۳ (۸/۱۳) دی بدین	۲۴ (۸/۱۴) دین (دائنا)	۲۵ (۸/۱۵) آرد	۲۶ (۸/۱۶) اشتاد	۲۷ (۸/۱۷) آسمان
۲۸ (۸/۱۸) زامیاد	۲۹ (۸/۱۹) مارسپند	۳۰ (۸/۲۰) انگرامینو	۳۱ (۸/۲۱)			

یکی از شش امشاسپندان شهریور است که در متون اوستایی به خشتروئیریه (khshathra-vairya) آمده و جمعا به معنای پادشاهی یا کشور آرزومند شده می باشد. این امشاسپند موکل فلزات، ابزار بر روی زمین است، ولی به روایتی خشت پیشوند خشترو در متون فرهنگی باستان حکایت از هم بستگی و هم آرائی در سطح جامعه می کند که در متون دینی بعدی به داشتن فلز و ابزار جنگی مسخ شده است.

آرم شکوه رهبری و فرمانروائی- حلول فروهر (فر) در تن رهبر شایسته. حلقه در دست نشانه و انگاری فروهر، سه رنگ بال ها پندارنیک، گفتارنیک و کردار نیک، سه رنگ دامن پندارد، گفتارد و کردار بدست. دو روبان آویزان به جای بایهای مرغ دو گزبینه نیک و بد را خاطر نشان میکند.

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدینه

۳ (۸/۲۴) اردیبهشت	۲ (۸/۲۳) وهومینو (بهمن)	۱ (۸/۲۲) سپنتامینو (اورمزد)				
۱۰ (۹/۳۱) آبان (آناهیتا)	۹ (۸/۳۰) آذر	۸ (۸/۲۹) ریم	۷ (۸/۲۸) امرداد	۶ (۸/۲۷) خرداد	۵ (۸/۲۶) سپندارمذ	۴ (۸/۲۵) شهریور
۱۷ (۹/۷) سروش	۱۶ (۹/۶) مهر (میترا)	۱۵ (۹/۵) دی بمهر	۱۴ (۹/۴) گش	۱۳ (۹/۳) تیر	۱۲ (۹/۲) ماه	۱۱ (۹/۱) خور
۲۴ (۹/۱۴) دین (دائنا)	۲۳ (۹/۱۳) دی بدین	۲۲ (۹/۱۲) باد	۲۱ (۹/۱۱) رام	۲۰ (۹/۱۰) بهرام	۱۹ (۹/۹) فروردین	۱۸ (۹/۸) رشن
۳۱ (۹/۲۱) انگزامینو	۳۰ (۹/۲۰) مارسپند	۲۹ (۹/۱۹) زامیاد	۲۸ (۹/۱۸) آسمان	۲۷ (۹/۱۷) اشتاد	۲۶ (۹/۱۶) آرد	۲۵ (۹/۱۵)

هر گونه تکثیر یا نشر جزئی و کلی، این گاهشمار به‌هدف کسب و تجارت و یا هر اقدام دیگری بدون اجازه گردآورنده آن ممنوع است.

بهر حال در این روز مردم با بر پا کردن آتش در خانه های خود یا بر بالای بام ها(آتش بوم) و یا در آتشکده ها و تهیه خوراک های ویژه به شادی و سرور می پرداختند.

مهر(میترا)(Meher)



ایزد مهر در فرهنگ ایران تاریخی بس کهن دارد. به عنوان مظهر نور و روشنائی با خورشید این همانی داده میشود. در فرهنگ سیمرغی چهره ای از ویژگی های خود سیمرغ، نماد پیوستگی است. حال آنکه او در آئین زردشت و میترا نیسم نماد پیمان و تبعیت بوده است. با رشد و غلبه میترا نیسم، میترا به خدای برتر و خالق کیهان تعالی می یابد. میترا نیسم با نفوذ بر فرهنگ های جهان به نوع غربی در اروپا و شرقی آن در هند و چین و ژاپن گسترش پیدا میکند. سر اندیشه های میترا نیسم را می توان در بودیسم ژاپن به وفور یافت. بودیسم ژاپن را اصولن بودیسم میترا نی می گویند.

میترا (ایران، اروپا)، میترا (هند)،

میل جیائو (چین)، می روکو (ژاپن)،

این تصویر میترا شرقی یا قندهاری

است

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه
1 سپنتامینو (۹/۲۲)	۲ و هومینو (بهمن) (۹/۲۳)	۳ اردیبهشت (۹/۲۴)	۴ شهریور (۹/۲۵)	۵ سپندارمذ (۹/۲۶)	۶ خرداد (۹/۲۷)	۷ امرداد (۹/۲۸)
۸ ریم (۹/۲۹)	۹ آذر (۱۰/۳۰)	۱۰ آبان (آناهیتا) (۱۰/۱)	۱۱ خور (۱۰/۲)	۱۲ ماه (۱۰/۳)	۱۳ تیر (۱۰/۴)	۱۴ گش (۱۰/۵)
۱۵ دی بمهر (۱۰/۶)	۱۶ مهر (میترا) (۱۰/۷)	۱۷ سروش (۱۰/۸)	۱۸ رشن (۱۰/۹)	۱۹ فروردین (۱۰/۱۰)	۲۰ بهرام (۱۰/۱۱)	۲۱ رام (۱۰/۱۲)
۲۲ باد (۱۰/۱۳)	۲۳ دی بدین (۱۰/۱۴)	۲۴ دین (۱۰/۱۵)	۲۵ آرد (۱۰/۱۶)	۲۶ اشتاد (۱۰/۱۷)	۲۷ آسمان (۱۰/۱۸)	۲۸ زامیاد (۱۰/۱۹)
۲۹ مار سپند (۱۰/۲۰)	۳۰ انگر امینو (۱۰/۲۱)					

جشن **مهرگان** در روز شانزدهم از ماه مهر برگزار میگردد و در روایاتی بمدت شش روز با شروع ازدهم مهر برقرار می گردیده است. جشن مهرگان یکی از پنج عید با شکوه، در ردیف نوروز، تیرگان، یلدا و سده بوده است. در این روز با خوردن هفت نوع میوه و مالیدن روغن "بان" بر بدن و پوشیدن لباس های الوان و بر پا کردن آتش و گستردن سفره ای پر مایه متشکل از اوستا، آئینه، سرمه دان، سبوی شراب، شیشه گلاب و گل نیلوفر جشن را بر گزار میکرده اند.

جشن مهرگان بازتابی از باورهای دینی، اخلاقی و رویدادهای تاریخی میباشد. ایزد مهر در باورهای اسطوره ای و دینی ایرانیان در چنین روزی تولد یافته و حامی صلح و صفا، عطف و مهربانی و پیمان بشمار میرود. بنابراین جشن را به نام او بر گزار کردن، تجدید عهد با او و الهام از ویژگی های اخلاقی این الهه تعبیر میشده است. از نقطه نظر تاریخی این روز را منسوب به پیروزی فریدون بر ضحاک (آژدهاک) و سپس روز تاجگذاری او میدانند. فریدون با کمک کاوه آهنگر که از حمایت الهه مهر برخوردار بوده است کار ضحاک را یکسره میکند. روایت است که اردشیر بابکان و داریوش در روز مهر بر تخت می نشیند و داریوش فرمان میدهد تا مدارس و کارهای بزرگ را در این روز انجام دهند. به باوری شروع مدارس و دانشگاه ها در عصر حاضر در ماه مهر هم از باورهای مهر پرستی نشأت گرفته اند.

بنابر نظر محققان برگزاری جشن مهرگان تاریخی بسیار کهن تر از عصر آئین زرتشتی داشته است. گرامیداشت این روز در سرزمین های ایران باستان به مناسبت پاسداری از مهر یا خدای خورشید که در بابل به شَمَش مشهور بوده است بر گزار میشده است. جشن مهرگان ضمناً گرامیداشت اولین روز پائیز، مبدع شروع سال در این دوران محسوب میشده است.

مهر روز را در روایتی ("دیو بند" گفته میشد، چون این روز، در اصل، با "مهر گیاه یا بهروز و صنم = بهرام و ارتا یا بهرام و سیمرغ این همانی داشته است. "مهر = میترا"، بن پیوند دو خدا با هم بوده است که با هم، دیوند. ریشه واژه مهر، میترا، "مت maetha" میباشد که دارای دو معنای ۱-جفت و ۲- اتصال با هم است(یوستی)- کتاب زال زر و زرتشت، جلد دوم، صفحه ۱۱۷- م. جمالی). واژگان "میهمان"، "میهن"، "محراب=مهراب" از واژه مهر یا میترا مشتق گردیده اند.

مهرگان آمد و سیمرغ بجنید ز جای تا کجا پر زند امسال و کجا دارد رای

«فرخی سیستانی»



آبان (آناهیتا) (Avan)

آناهیتا، زیبا ایزد آب، رودخانه، نهرها و آبادی
شمارده می شده است. گل نیلوفر آبی گل این
ایزدست که تزئین بخش دست شاهان هخامنشی
به قصد آرزوی باریدن باران و پیدایش خرمی
بوده است. نام یونانی این ایزد افرودیت است که
بعدا در ایران با کینه ورزی به قصد لکده دار او
نام و لقب عفریته را بر او گزیدند تا آرزوی خود
را تحقق بخشند.

آناهیتا(ایران)، افرودیت(یونان)، ونوس(رم)،

ساراسواتی(هند)، بن زای ین(ژاپن)

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه
		1 (۱۰/۲۲) سپنتامینو (اورمزد)	۲ (۱۰/۲۳) وهومینو (بهمن)	۳ (۱۰/۲۴) اردیبهشت	۴ (۱۰/۲۵) شهریور	۵ (۱۰/۲۶) سپندارمذ
۶ (۱۰/۲۷) خرداد	۷ (۱۰/۲۸) امرداد	۸ (۱۰/۲۹) ریم	۹ (۱۰/۳۰) آذر	۱۰ (۱۱/۳۱) آبان (آناهیتا)	۱۱ (۱۱/۱) خور	۱۲ (۱۱/۲) ماه
۱۳ (۱۱/۳) تیر	۱۴ (۱۱/۴) گش	۱۵ (۱۱/۵) دی بمهر	۱۶ (۱۱/۶) مهر (میترا)	۱۷ (۱۱/۷) سروش	۱۸ (۱۱/۸) رشن	۱۹ (۱۱/۹) فروردین
۲۰ (۱۱/۱۰) بهرام	۲۱ (۱۱/۱۱) رام	۲۲ (۱۱/۱۲) باد	۲۳ (۱۱/۱۳) دی بدین	۲۴ (۱۱/۱۴) دین	۲۵ (۱۱/۱۵) آرد	۲۶ (۱۱/۱۶) اشتاد
۲۷ (۱۱/۱۷) آسمان	۲۸ (۱۱/۱۸) زامیاد	۲۹ (۱۱/۱۹) مارسپند	۳۰ (۱۱/۲۰) انگرامینو			

جشن **آبانگان** در روز دهم از ماه آبان بر گزار می گردد. این جشن در رابطه تنگاتنگ با رویدادهای تاریخی و زندگانی مردم شکل گرفته و گرمای داشته شده است. روایت است پس از آنکه افراسیاب در جنگ ایران و توران اقدام به تخریب و ویرانی تمام قنات ها و کاریزها(راه آب زیر زمینی) کرد زو پسر طهماسب دستور لای رویی و بازسازی آنها را داد و از آن زمان به بعد اینروز را به نام ایزد آناهیتا نامیده و به بزرگداشت آن مرسوم کردند. روایت دیگر اینست که چون در سرزمین آریائی پس از هشت سال خشکسالی و قحطی بالاخره باران بارید و خشکسالی و بیماری و رنج از میان رفت مردم این روز را گرمای داشته به جشن و سرور و شادمانی پرداختند.

آذر (Adar)



آذر یا آتش (آگنی) از فرزندان اورمزد بشمار می آید ولی استوره آتش تاریخی بس کهن تر دارد. در متون اوستائی آتش برای اولین بار توسط هوشنگ کشف و مورد پرستش قرار می گیرد. هوشنگ در هنگام شکار ماری را می بیند که بقصد کشتن آن سنگی را پرتاب میکند که بر حسب تصادف به مار نمی خورد، بلکه به سنگ دیگری اصابت می کند و از اخگر حاصل شده در محل آتشی بر پا می شود که مورد شادی و رضایت هوشنگ قرار می گیرد. از آن زمان به بعد ستایش آتش مرسوم و به احترام از آن جشن و نماز خوانی بر پا می شود.

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدینه

			۱ (۱۱/۲۱) سپنتامینو (اورمزد)	۲ (۱۱/۲۲) وهمینو (بهمن)	۳ (۱۱/۲۳) اردیبهشت
۴ (۱۱/۲۴) شهریور	۵ (۱۱/۲۵) سپندارمذ	۶ (۱۱/۲۶) خرداد	۷ (۱۱/۲۷) امرداد	۸ (۱۱/۲۸) ریم	۹ (۱۱/۲۹) آذر
۱۰ (۱۲/۳۰) آبان (آناهیتا)	۱۱ (۱۲/۱) خور	۱۲ (۱۲/۲) ماه	۱۳ (۱۲/۳) تیر	۱۴ (۱۲/۴) گش	۱۵ (۱۲/۵) دی بمهر
۱۶ (۱۲/۶) مهر (میترا)	۱۷ (۱۲/۷) سرور	۱۸ (۱۲/۸) رشن	۱۹ (۱۲/۹) فروردین	۲۰ (۱۲/۱۰) بهرام	۲۱ (۱۲/۱۱) رام
۲۲ (۱۲/۱۲) باد	۲۳ (۱۲/۱۳) دی بدین	۲۴ (۱۲/۱۴) دین	۲۵ (۱۲/۱۵) آرد	۲۶ (۱۲/۱۶) اشتاد	۲۷ (۱۲/۱۷) آسمان
۲۸ (۱۲/۱۸) زامیاد	۲۹ (۱۲/۱۹) مارسپند	۳۰ (۱۲/۲۰) یلدا انگرامینو			

جشن **آذرگان** یا آذرچشن (دوم) در روز نهم از ماه آذر بر پا می گردد. در متون زردشتی به انواع گوناگون آتش و جشن آن اشاره شده است. جشن **آذر آفینی** شامل آتش دادگاه، آتش آبران و آتش بهرام است. آتش دادگاه را مردم عادی پاسداری می کنند. آتش آبران که از چهار نوع آتش تهیه می شود توسط روحانیون پاسداری می گردد ولی آتش بهرام که از قداست ویژه ای برخوردارست از شانزده نوع آتش تهیه شده و با تشریفات خاصی پاسداری می گردد. نوع آتش **مینوی** دارند که نیرو و انرژی پنج هستی بشمار می آید: ۱- آتش برزیسوه (Barzisavah)

که در برابر اورمزد می سوزد. ۲- آتش وهوفرایانه (Vohufrayana) که در تن مردمان و جانوران جای دارد (به عبارتی غریزه است). ۳- آتش اوروازیشته (Urvazishta) که در گیاهان است. ۴- آتش وازیشته (Vazishta) که در ابرهاست؛ عامل رعد و برق. ۵- آتش سپنیشته (Spanishta) که در کانون های خانوادگی جای دارد.

در بُندِ هِش می آید که اورمزد از روشنایی خود تنی کامل از آتش می سازد که از سر آن آسمان، از پای آن زمین و از دست چپ آن انسان (کیومرث) و از دست راست آن گاو را می آفریند. از موی این تن آتشین گیاه و اشک آن آب پدید می آید.

آتش قبله زرتشتیان است و در تمام دعاها و نیایش ها حضور آن ضروری است، پس باید همیشه روشنش نگاهداشت.

آتش مینوی یا آتش مجرد مفهومی است که از دوران بسیار کهن قبل از آئین زرتشتی در بین ایرانیان پیرو فرهنگ سیمرغی شایع بوده است. مردم باستان آفرینش را در شش گاهنبار می اندیشدند، که در پایان هر گاهنبار آتش و یا انرژی تولید می شده است تا گاهنبار بعدی را فعال کند. در این هنگام مردم نیز در پاسداری این آتش (انرژی) به پایکوبی و شادی می پرداختند. آفرینش به ترتیب پیدایش: باد (وایو یا سیمرغ) - آب - زمین - گیاه - حیوان و بالاخره با انسان کامل میشده است. این آفرینش خطی نبوده بلکه دورانی است. یعنی این که در دوره بعد انسان به (زنخدا) سیمرغ تبدیل شده تا چرخه آفرینش به روند دایمی ادامه دهد. در روند این چرخش، تحول و تکامل یا ژرف گرائی هستی ها تحقق می گیرد. (این پاراگراف از م- جمالی نقل شده است).

جشن شب یلدا - شب یلدا آخرین و سی امین شب از ماه آذر، طولانی ترین شب در سال (طول تاریکی پانزده ساعت و ۵۴ دقیقه) بشمار می آید. جشن یلدا در ایران امروز جشنی ملی و مردمیست و فارغ از انگاره های گوناگون در باره آن هر ساله بر گزار می گردد. گو اینکه واژه یلدا از زبان سُریانی (یک لجه آرامی) و به معنای تولد گرفته شده است، روایات گوناگونی در باره این شب و روز به دنبال آن شده است که به اختصار شرح می دهم.

۱ - ریشه شب یلدا یا "شب چله" را میتوان در رویدادهای کیهانی و حرکت خورشید پیدا کرد. خورشید در آخر پائیز به پائین ترین نقطه خود در زاویه ۲۳,۵ درجه جنوب شرقی (انقلاب زمستانی) میرسد که این پدیده باعث کوتاه شدن روز و بلند شدن شب می گردد. ولی از روز اول دی (شروع زمستان) خورشید به سمت شرق - شمالی جابجا می شود که باعث افزایش تدریجی طول روز و کوتاهی شب می گردد. این دوباره نیرو گرفتن خورشید در بین مردم به زایش دو باره خورشید تعبیر شد و شب یلدا، شب زایش با تمام بلندی آن گرامی داشته شد.

۲ - تعبیر های (خرافی) از شب یلدا نیز روایت شده است. در شب یلدا رسم است که مردم هندوانه، انار و آجیل میخورند. خوردن انار از آن جهت است که مردم اجتماعات اولیه ایران باورداشتند در درخت انار روح باروری و زایندهگی وجود دارد، و دانه های فراوان میوه انار نشان از انتقال این روح از درخت به میوه آنست. علامت دیگر باروری و زایندهگی انار شکل گرد آنست که به پستان دختران نورسیده شباهت دارد. هندوانه هم که پر از تخمه است نشانه باروری و برکت انگاشته میشده است. خوردن آجیل هم در شب یلدا باز برگرفته از این پندار بوده است زیرا که در ترکیب آجیل هم تخمه هندوانه به وفور یافت میشود. خوردن دانه های انار، هندوانه و آجیل روح باروری و زایندهگی آن ها را به انسان منتقل میکند. (این پاراگراف از عباس احمدی نقل شد)

۳ - از شب یلدا برداشت های دینی نیز وجود دارد که حائز اهمیتند. چون در فرهنگ های ایران باستان ایزد مهر با خورشید تابناک این همانی داده میشد شب یلدا به شب تولد مهر تعبیر شد. شب یلدا شب زایش خدای مهر، شب پر از شادی و نویدبخش برکت و روشنائی بوده است. مردم شب یلدا را تا طلوع آفتاب به قصد استقبال از آن به خوردن هندوانه، انار و سنجد و آجیل شب زنده داری میکردند. ظاهراً خوردن هندوانه و انار و سنجد بخاطر همسان بودن سرخی آن ها با روشنائی خورشید است. در شب یلدا مردم به بلندی ها و کوه ها میروند تا ستاره ایزد مهر، تیشتر یا شباهنگ را که در آسمان تاریک می درخشد رویت کنند. این ستاره در زاویه ۲۰ درجه جنوب شرقی میدرخشد. بنای ساختمان ها در جهت رویت سهل این ستاره نشانه اهمیت و گرامیداشت تولد ایزد مهر بوده است. به باور برخی از پژوهشگران بنای خود تخت جمشید (پارسیه) در زاویه رویت ستاره تیشتر ساخته شده است. با گسترش آئین میترائیسم در جهان، نفوذ باورهای مهرپرستی در بودیسم ژاپن نیز بوفور قابل مشاهده است. در قرون ششم و هفتم ساختن معبد ها و قبر سلاطین در جهت روئیت ستاره تابناک میترا در ژاپن رواج داشته است.

"صحبت حکام شب یلدا": پادشاهان که نسخه زمینی خدای آسمان (خورشید) بشمار می آمدند هر سال در روز اول زمستان تعویض و جوان میشدند. جوانی که قرار است در مسند شاه بنشیند شاه پیر را میکشد و خود با الهام از نوزادی خورشید سرسبز بر کرسی سلطنت جلوس میکند. -عباس احمدی

در غرب بعثت اشتباهات در محاسبه کبیسه ها تولد مهر یا میترا را برابر با ۲۵ دسامبر (بجای ۲۲ دسامبر) قرار دادند و این روز را به تولد عیسی نسبت دادند.

دی (Dae)



دی یا دی به یکی از صدها نام زنخدای ایران باستان سیمرغ بی نام (انامک) بوده است. دی را همزاد واژگانی از جمله دا، دادار، دید، دیدن، دین، داننا، دیو و دیه، دائو (تائو) میدانند. زنخدای ایران باستان با دین مردم یکی بوده است. با خدا یکی شدن دین بوده است. به عبارتی دین، دیدن روی زیبای خدا در خود بوده است. با ظهور آئین زرتشت اهورامزدا در رأس تمام آفریده ها قرار میگیرد و دی بدین (روز بیست و سوم) و دی بمهر (روز پانزدهم) به معنی آفریننده اورمزد گرامی داشته می شود.

اثری هنری از دوران ساسانیان- نگار سیمرغ "Simurv" در مرکز اثر مشاهده میشود.

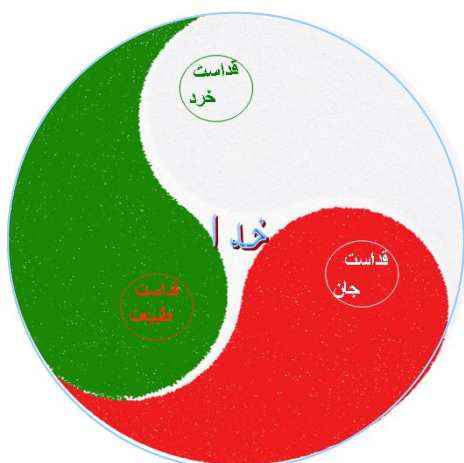
شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدین

۱ (۱۲/۲۱) سپنتامینو تولد مهر						
۲ (۱۲/۲۲) وهومینو (بهمن)	۳ (۱۲/۲۳) اردیبهشت	۴ (۱۲/۲۴) شهریور	۵ (۱۲/۲۵) سپندارمذ	۶ (۱۲/۲۶) خرداد	۷ (۱۲/۲۷) امرداد	۸ (۱۲/۲۸) ریم
۹ (۱۲/۲۹) آذر	۱۰ (۱۲/۳۰) آبان (آناهیتا)	۱۱ (۱/۳۱) خور	۱۲ (۱/۱) ماه	۱۳ (۱/۲) تیر	۱۴ (۱/۳) گش	۱۵ (۱/۴) دی بمهر
۱۶ (۱/۵) مهر (میترا)	۱۷ (۱/۶) سرور	۱۸ (۱/۷) رشن	۱۹ (۱/۸) فروردین	۲۰ (۱/۹) بهرام	۲۱ (۱/۱۰) رام	۲۲ (۱/۱۱) باد
۲۳ (۱/۱۲) دی بدین	۲۴ (۱/۱۳) دین	۲۵ (۱/۱۴) آرد	۲۶ (۱/۱۵) اشتاد	۲۷ (۱/۱۶) آسمان	۲۸ (۱/۱۷) زامیاد	۲۹ (۱/۱۸) مارسپند
۳۰ (۱/۱۹) انگرمینو						

جشن **دیگان** در روز بیست و سوم از ماه دی برگزار می گردد. ابوریحان بیرونی در باره دی روز چنین می گوید: "... در این روز عادت ایرانیان چنین بوده است که پادشاه از تخت شاهی پائین می آمد و جامه ای سفید می پوشید و در بیابان بر فرش های سپید می نشست و دربان و یساولان را که شکوه پادشاه با آن هاست به کنار می راند و هر کس که می خواست پادشاه را ببیند، خواه دارا و خواه ندار، بدون هیچ گونه نگهبان و پاسبان نزد شاه

میرفت و با او به گفتگو می پرداخت و در این روز پادشاه با برزگران می نشست و در یک سفره با آن ها خوراک می خورد و می گفت: من مانند یکی از شماها هستم و با شماها برادرم، زیرا استواری و پایداری جهان به کارهایی است که به دست شما انجام می شود و امنیت کشور نیز با من است، نه پادشاه را از مردم گریزی است و نه مردم را از پادشاه...."(تارنمای آریابوم)- این روز را برای باز شناختن روز بعد خودش نسبت می دهند.

بهمن (و هومینو) (Bahman)



بهمن معلوم مجهول نام گرفته است. در همه جا هست ولی قابل لمس نیست. بهمن عامل اتصال، پیوند و چسبندگی است. "میان" نماد بهمن است. با در میان قرار گرفتن بهمن پیوند حاصل می شود. از این زاویه، بهمن (برف) هم به معنای پیوسته شدن و چاق گردیدن پاره های برف است. بهمن در میان ماه دی و اسفند باعث پیوستگی زمان می گردد. در متون زرتشتی بهمن نماد اندیشه و منش نیک در آسمان و حامی چارپایان بر روی زمین است.

جوهر حقیقت (خدا) به مانند شیره چسبنده، سه قلمروی طبیعت، جان و خرد را به هم پیوند میدهد. هر قلمرو در ارتباط با قلمروی دیگر پیدایش، رشد و انجسام می یابد.

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه
	1 (۱/۲۰) سپنتامینو (اورمزد)	۲ (۱/۲۱) وهومینو (بهمن)	۳ (۱/۲۲) اردیبهشت	۴ (۱/۲۳) شهریور	۵ (۱/۲۴) سپندارمذ	۶ (۱/۲۵) خرداد
۷ (۱/۲۶) امرداد	۸ (۱/۲۷) ریم	۹ (۱/۲۸) آذر	۱۰ (۱/۲۹) سده آبان(آناهیتا)	۱۱ (۱/۳۰) خور	۱۲ (۲/۳۱) ماه	۱۳ (۲/۱) تیر
۱۴ (۲/۲) گش	۱۵ (۲/۳) دی بمهر	۱۶ (۲/۴) مهر(میترا)	۱۷ (۲/۵) سروش	۱۸ (۲/۶) رشن	۱۹ (۲/۷) فروردین	۲۰ (۲/۸) بهرام
۲۱ (۲/۹) رام	۲۲ (۲/۱۰) باد	۲۳ (۲/۱۱) دی بدین	۲۴ (۲/۱۲) دین	۲۵ (۲/۱۳) آرد	۲۶ (۲/۱۴) اشتاد	۲۷ (۲/۱۵) آسمان
۲۸ (۲/۱۶) زامیاد	۲۹ (۲/۱۷) مارسپند	۳۰ (۲/۱۸) انگرامینو				

جشن **بهمنگان** یا بهمنجه در روز دوم از ماه بهمن بر گزار می گردد. از چند منبع نقل میکنیم: در "خرده اوستا" آمده است که چون بهمن موکل و نگاهبان چارپایان است باید در این روز از خوردن گوشت حیوانات پرهیز کرد.

آثار و الباقیه نوشته است که بهمن نام فرشته ایست که موکل بهایم است و مردم فارس در این روز غذائی از

جميع دانه های ماکول با گوشت می پزند و با شیر پاک می خورند زیرا عقیده دارند که این غذا بر حافظه آنها می افزاید.

ابوریحان بیرونی در کتاب "التفهیم" می نویسد که مردم در این روز بهمن سفید (نام گیاهیست) را با شیر خالص پاک می خورند و میگویند که این خوراک حافظه را تقویت میکند.

سده- جشن سده یا سده سوزی یکی از جشن های گرمی و ملی در ردیف نوروز و مهرگان ایرانست که از زمان های کهن در این سرزمین به یادگار برگزار می شده است. سده در روز دهم ماه بهمن، روز آبان یا آناهیتا، چهل روز بعد از یلدا مخصوصا در بین پیروان آئین زرتشت گرمی داشته می شود. در باره واژه "سده" نظرات متفاوتی بیان شده است. بنابر نظر دکتر مهرداد بهار "سده" به چم (معنی) پیدایش و آشکار شدن است و جشن سده برگزاری روز چهل ایزد مهر (شب یلدا) انگاشته می شود. بیرونی "سده" را برابر با عدد صد دانسته و گفته است که هرگاه بشمارند تا نوروز؛ صد شب و روز بدست می آید. یا این که سده مصادف با صدمین روز از فصل زمستان در تقویم کهن ایرانیان باشد. در تقویم کهن دو فصل یا چهره وجود داشته است. فصل اول تابستان هفت ماه سی روزه و فصل دوم زمستان پنج ماه سی روزه بوده است. در باره این جشن انگاره ها و تعبیرهای گوناگونی می شود که در دنباله مختصرا به آنها اشاره می کنم.

۱- سده در قلمروی استوره- سده به چم "سه داه" یا سه خداست. خدایان مشهور ایران باستان، سیمرغ (و رام) (سپنتامینو) و بهرام (انگرامینو) و بهمن (و هومینو) در هم آهنگی با هم سه تای یکتا را می آفرینند. روایت است که رپیتاوین (دختر زیبای پانزده ساله = سیمرغ) در روز سده به زیر زمین می رود و با نواختن ساز زمین را آماده سرسبزی و بهار می کند. در روز نخستین بهاری، نوروز، به روی زمین پدیدار می شود و به افشاندن تخم های بارور خود ادامه می دهد. (نقل از م- جمالی)

روایت است که در این روز زادگان کیومرث (نخستین انسان در آئین زرتشت) درست صد تن شدند و یکی از خود را به همه پادشاه گردانیدند. (نقل از التفهیم)

در باره آتش افروختن در این روز روایات متفاوتی شده است، از آن جمله که وقتی فریدون بر ضحاک پیروز شد دستور داد تا جشنی با افروختن آتش برگزار کنند. روایت دیگر اینکه ضحاک وزیری داشت به نام ارمائیل که موظف بود هر روز مغز دوفنر را برای مارهای ضحاک آماده کند. ارمائیل هر روز از بین دو نفر، مغز یکی را آماده می کرد و با زیرکی نفر بعدی را رها می کرد و به قله های دماوند می فرستاد. بعد از شکست ضحاک بدست فریدون، ارمائیل مورد غضب فریدون قرار گرفت ولی ارمائیل مدعی شد که نیمی از افراد را نجات داده است. او به نشانه گواهی بر ادعای خود به افرادی که در کوه دماوند منتظر بودند پیغام فرستاد تا بر بام خانه های خود آتش بیاورزند. از آن پس رسم آتش افروزی رایج گشت. حکایت شده است که فریدون شاه اولین کسی بوده است که آئین مهرپرستی را معرفی می کند و در پیش این باورمندان خورشید با مهر این همانی داده می شود و آتش نمادی از خورشید تعبیر می گردد. رسم آتش افروزی باید ریشه ای کهن تر از ظهورش در آئین زرتشت داشته است.

یا این که هوشنگ پادشاه پیشدادی زمانی که برای شکار پلنگ به صحرا می رود با ماری روبرو می شود و بقصد کشتن مار سنگی پرتاب می کند. ولی این سنگ به مار اصابت نمی کند بلکه به سنگ دیگری برخورد کرده و ایجاد جرقه می کند. جرقه سبب آتش سوزی بته های اطراف می شود. هوشنگ از دیدن آتش شادمان گردیده، دستور می دهد این روز را گرمی داشته و هر سال جشن آتش را برگزار کنند. (فردوسی)

۲- سده در آئین های مذهبی- با وجود این که در متون زرتشتی نامی از رسم سده یاد نشده است ولی زرتشتی ها

مخصوصاً در کرمان هر ساله این جشن را با عظمت بر گزار میکنند. آتش نماد روشنائی، پاکی، نشان تعالی اهورامزدا انگاشته می شود. با ایجاد کپه های عظیم آتش موبدان لباس سفید با زمزمه نماز نیایش یاد کرده و مراسم باشکوهی را برگزار می کنند که مردم شهر فارق از تمایل مذهبی خود در پایکوبی این جشن شرکت می کنند. در انتها مردم خاکستر بجای مانده را به نشانه پایان گرفتن سرمای زمستان به کشتزارهای خود می برند.(پ- یغمائی) مردم در حین پایکوبی عبارت "سد به سده، سی به گله، پنجاه به نوروز" را تکرار می کنند.



اسفند (Aspandarmad)

اسفند یا اسپندارمذ نام امروزی خدای نگهدار زمین، سپننه آرمیتی است که زهدان یا نگاهدارنده ی با وفای تخم های خود بارور سیمرغ، زنخدای آسمان ها بر روی زمین است. آرمیتی از ویژگی دایگی و مادرانه که نشان از مهر و عشق لبریز است برخوردار می باشد. پاک نگاهداشتن زمین از آلاینده ها، پرهیز از دفن کردن اجساد در زمین که در آئین زرتشتی نیز مقرر گردیده است نمونه هائی از ادای احترام به این خدای نگاهدارنده زمین است.

شنبه یکشنبه دوشنبه سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه آدینه

			1 (۲/۱۹) سپنتامینو (اورمزد)	۲ (۲/۲۰) وهومینو (بهمن)	۳ (۲/۲۱) اردیبهشت	۴ (۲/۲۲) شهریور
۵ (۲/۲۳) سپندارمذ	۶ (۲/۲۴) خرداد	۷ (۲/۲۵) امرداد	۸ (۲/۲۶) ریم	۹ (۲/۲۷) آذر	۱۰ (۲/۲۸) آبان (آناهیتا)	۱۱ (۳/۱) خور
۱۲ (۳/۲) ماه	۱۳ (۳/۳) تیر	۱۴ (۳/۴) گش	۱۵ (۳/۵) دی بمهر	۱۶ (۳/۶) مهر (میترا)	۱۷ (۳/۷) سرش	۱۸ (۳/۸) رشن
۱۹ (۳/۹) فروردین	۲۰ (۳/۱۰) بهرام	۲۱ (۳/۱۱) رام	۲۲ (۳/۱۲) باد	۲۳ (۳/۱۳) دی بدین	۲۴ (۳/۱۴) دین	۲۵ (۳/۱۵) چهارشنبه سوری آرد
۲۶ (۳/۱۶) اشتاد	۲۷ (۳/۱۷) آسمان	۲۸ (۳/۱۸) زامیاد	۲۹ (۳/۱۹) مارسپند	۳۰ (۳/۲۰) انگرامینو		

جشن **اسفندگان** در پنجمین روز از ماه اسفند در روز اسفندارمذ برگزار می شده است، ولی متأسفانه آگاهی چندان از چگونگی برگزاری آن در دست نیست. تنها منبعی که به این جشن اشاره دارد ابوریحان بیرونی است که از این جشن به نام جشن مردگیران یاد می کند. در این روز مردان پنج روزنخست از ماه اسفند را بجای زنان وظایف آنها را انجام می دهند، و کاملاً در تحت انقیاد آنها در می آیند. افزون بر این مردها هدایائی شایسته به زنان تقدیم می کنند. با این کار هم زحمات و فعالیت زنان در خانه را تجربه می کنند و هم تلاش و کوشش یکسال آنها را ارج می نهند، حتا بمدت کوتاهی هم که شده موجب راحتی و استراحت آنها می شوند. شباهت این جشن با مراسم والنتاین قابل توجه است. - تارنمای فرهنگ ایران باستان.

- دکتر جلال خالقی مطلق بررسی دقیقی در باره این جشن انجام داده است که نقل آن در صفحه انترنیتی "برای یک ایران"^۱ منتشر شده است. طبق پژوهش های دکتر خالقی ویژگی این جشن فهرست وار به گونه زیر است:
- ۱ - جشنی بهاری بوده و در آستانه سال نو در روز اسفند از ماه اسفند(پنج اسفند) برگزار می شده است.
 - ۲ - جشنی ویژه زنان بوده است.
 - ۳ - در این جشن مردان به زنان بخشش می کردند و آن را "مرد گیران" می نامیدند، چون زنان از مردان آرزوها می خواستند.
 - ۴ - زنان خود را می آراستند و در طول روز در کوی و برزن به پایکوبی و افسانه گویی و شادی می پرداختند.
 - ۵ - در پایان آن روز، رفتن به آتشکده برای توبه از گناهان کرده یا ناکرده نیز جزو برنامه این جشن بود.
 - ۶ - دختران نیز از این جشن سهمی داشتند چون برخی این جشن را ویژه "عروسان نادیده شوی"، یعنی "دختران شوهر نکرده" دانسته اند. دختران در هر نوبهار جشن می گرفتند و به کام دل شادی می کردند.
 - ۷ - در آن روز زنان کوی و بازار را از نظم و قانون هر روزه می انداختند و در واقع زنان در آن روز حاکم بر شهر بودند.
 - ۸ - دختران و زنان در جشن دسته های گل به دست می گرفتند.

چهارشنبه سوری- در ایران امروز جشن چهارشنبه(یا چارشنبه) سوری(جشن، سرخی) در شامگاه سه شنبه هفته قبل نوروز بر پا می شود که حاوی مراسم آتش افروختن و پریدن از روی آتش و دیگر مراسم متنوع است. ظاهراً جشن چارشنبه سوری به شکل فعلی آن تاریخ کهنی ندارد ولی مراسم آتش افروختن چند روز قبل از نوروز در قدیم هم رواج داشته است. جشن آتش افروختن ایرانی ها در هنگامه قبل از نوروز یکی از چهار مراسم آتش افروزی در ردیف جشن های شهریورگان، آذرگان و سده است.

در زمان ساسانیان زردشتی ها ده روز قبل از نوروز را در حیاط و یا روی بام خانه های خود آتش می افروختند و باور داشتند که فروهرها(فرشته گان) در این زمان خود را مهبای بازگشت بر روی زمین میکنند تا از بازماندگان خود باز دید کنند. مردم برای نشان دادن آمادگی به پذیرائی و استقبال از آن ها جشن آتش را بر پا میکردند.

مراسم استقبال از بازگشت ارواح رفتگان خود در ماه ژوئیه هر سال در ژاپن از عصر کهن معمول است که به آن "اُبن=Obon" می گویند. نفوذ فرهنگ ایران در این رسم توسط پژوهشگران به اثبات رسیده است.

نظریه دیگر در مورد برگزاری جشن آتش قبل از نوروز به چگونگی گاهشمار ایرانیان باز می گردد. چون گاهشمار ایرانیان از دوازده ماه سی روزه ترکیب شده است(۳۶۰ روز) پنج یا شش روز آخر سال را که به پنجه اندرگاه(پنجه مسترقه) موسوم است جشن می گرفتند و با آتش افروختن به پیشواز سال نو می رفتند.

از آن جایی که در فرهنگ ایرانیان آتش نماد پاکي، روشنائی، زاینده گی و آفرینده گی، حرارت و نیرو و انرژی قلمداد میشود برپائی جشن و مراسم آتش افروزی همیشه بقصد گرفتن الهام از طبیعت آتش و یکپارچگی با آنست. امروزه در مراسم چارشنبه سوری مردم با جمع آوری بته و شاخه های خشک درختان کپه آتش میسازند و از روی آن می پرند و عبارت "زردی من از تو، سرخی تو از من" را تکرار میکنند. ضعف و بیماری، ناپاکی ها و رنج های روزانه را به آتش میسپارند و حرارت و نیروی حیات بخش آتش را طلب میکنند. تعداد کپه های آتش عدد فرد(سه، پنج، هفت و....) باید باشد(عدد فرد نماد مادینگی). افزون بر این خاکستر آتش پس از مراسم را که مملو از بلا و ناپاکی شده است باید به مکان دوری ببرند یا در آب روانی جاری کنند. زنی که زحمت انتقال

¹ <http://www.foroneiran.com/index.php/article/print/5823/>

خاکستر را میکشد وقتی به خانه باز می گردد به اهالی خانه می گوید که از مجلس عروسی باز می گردد و با خود برای همگی سعادت و شادمانی به ارمغان آورده است.

در آئین زرتشتی از روی آتش جهیدن بی احترامی به آتش تلقی می شود. آتش در باورهای زرتشتی مقدس است و آن چه که مقدس است نباید لمس شود، آلوده به غیر از جنس خود شود. این باور بخوبی نشان میدهد که رسم چارشنبه سوری ریشه ملی ایرانی دارد و با باورهای دینی همخوانی ندارد.

علاوه بر پرش از روی آتش در این شب مراسم قاشق زنی، فال گیری، فالگوش ایستادن (پانشستن)، شکستن کوزه های کهنه و آماده کردن کوزه نو، اسپند دود کردن و آجیل خوردن و هفت قلم آرایش خانم ها (با وسمه، سرمه، حنا، سفیدآب، سرخاب، غالیه و زُرُک) نیز در سطح ملی رواج داشته است، یا امروزه هم رواج دارد.